



خانه از پای‌بست ویران است

روزنامه شهروند ۷ دی‌ماه گزارشی انتشار داد مبنی بر این‌که "عده‌ای درون گورستان و در قبرهای از پیش آماده‌شده و چندین خانواده در اطراف گورستان، در منطقه بلوک‌زنی و زیر کانال در چادر زندگی می‌کنند. در درون گورستان، ۳۰۰ گور از پیش آماده وجود دارد که ۵۰ کارتن‌خواب دست‌کم ۲۰ گور را اشغال کرده‌اند. در هر گور یک نفر و گاهی هم سه تا چهار نفر زندگی می‌کنند."

انتشار این خبر موجی از واکنش‌ها در شبکه‌های اجتماعی، روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها را در سراسر ایران در پی داشت. برخی خواستار رسیدگی فوری به مسئله شدند. و البته این رسیدگی به‌فوریت با دستور دادستان، رئیس‌جمهور، شهردار و استاندار انجام گرفت. گورخوابان را با زور از گورها بیرون ریختند. اما واکنش مردم، احساس همدردی و محکومیت رژیم بود. با این‌وجود، در میان این واکنش‌ها، نوعی توهم پراکنی نیز به‌موضوع آشکار بود.

برخی چنین وانمود کردند که گوئی اتفاقی استثنائی و نامأنوس در کشوری با مردمی غرق در رفاه و آسایش رخ داده که نظایر آن وجود نداشته و ندارد و حالا که گزارشی از گورخانه‌های گورستانی انتشار یافته، آن‌ها را متأثر ساخته و احساساتشان را جریحه‌دار ساخته است.

باید کسی با فجایی که نظم حاکم بر ایران به بار آورده بیش از آن بیگانه باشد که نداند، حتی گورخوابی و گورخانه‌های گورستانی پدیده جدیدی در ایران نیست، بلکه ارمغان جمهوری اسلامی، از چندین سال پیش در ایران است. حتی در همین محل و بر سر همین مسئله نیز یکی از خود گورخوابان می‌گوید: "اینجا کسانی را داریم که ۱۰ سال است در همین قبرستان نصیرآباد زندگی می‌کنند."

واقعیت این است که در کشوری به نام ایران، با میلیون‌ها معتاد، صدها و هزاران نمونه از این دست وجود داشته و دارد. هر ساله ده‌ها و صدها تن از همین انسان‌های فلاکت‌زده در سرمای زمستان جان داده‌اند. هر روز صدها و هزاران تن در اثر فقر، اعتیاد و بی‌خانمانی جان می‌دهند. روزانه میلیون‌ها انسان بیکار و گرسنه سر بر بالین می‌گذارند.

چگونه ممکن است کسانی که اکنون با شنیدن خبر گورخانه‌های گورستان نصیرآباد احساساتشان جریحه‌دار شده، ندانند که یک جمعیت ۱۰ تا ۱۵ میلیونی در حاشیه شهرهای بزرگ زندگی اسفبار و فلاکت‌باری را می‌گذرانند. متجاوز از ده میلیون بیکار در فقر و گرسنگی جان می‌کنند. کودکان کار و خیابانی ابعاد میلیونی به خود گرفته است. دستمزد و حقوق اکثریت بزرگ کارگران و زحمتکشان آن‌قدر ناچیز است که حتی پاسخ‌گوی نیازهای معیشتی نیمی از هر ماه نیست و فراتر از آن، کم نیستند کارگرانی که چندین ماه دستمزد نگرفته‌اند و در فقر و گرسنگی به سر می‌برند.

اما حیرت‌آور این‌که افرادی هم هستند که آدرس غلط هم به مردم ایران می‌دهند. گویا از دیدگاه آن‌ها، مشکل این‌جاست که مقامات و سران دولتی از فجایی که در کشور می‌گذرد بی‌خبرند و رئیس‌جمهوری اسلامی قدمی از کاخ ریاست‌جمهوری‌اش بیرون نمی‌گذارد که ببیند در سراسر کشور چه می‌گذرد. واقعیتی است غیرقابل انکار که حسن روحانی بیش از هر کس دیگر به آنچه در کشور می‌گذرد آگاهی دارد. نه صرفاً از آن‌رو که وی همواره از مقامات امنیتی رژیم در بالاترین سطوح آن بوده است، بلکه همه روزه روسای مؤسسات دستگاه اجرائی از جمله وزیر اطلاعات، وزیر کشور، پلیس، شهردار و دیگر مقامات ریز و درشت او را از تمام مسائلی که در هر گوشه شهرها و روستاها در سراسر کشور می‌گذرد، آگاه می‌کنند. بنابراین او بهتر از هر کسی می‌داند که در کشور چه می‌گذرد. برای او مطلقاً بی‌اهمیت است که کسی زنده در گور مسکن گزیند یا از گرسنگی جان دهد. وظیفه‌ی او پاسداری از رژیم استبداد دینی و پیشبرد سیاستی است که ثروت و سرمایه را در یک قطب جامعه در دست گروهی سرمایه‌دار و فقر، بیکاری، اعتیاد، تن‌فروشی، کارتن‌خوابی، گورخوابی را در قطب دیگر متمرکز سازد. او همان وظیفه‌ی را انجام می‌دهد که احمدی‌نژاد انجام داد و پیش از او هم پیشینیان وی.

چیزی برای پرده‌پوشی نمانده است. معضل جامعه ایران فقط اعتیاد و کارتن‌خوابی و گورخوابی انسان‌ها نیست. معضل بسیار فراتر از آن است. سرتاسر جامعه مملو از بحران، فاجعه و نابسامانی است که نظم طبقاتی حاکم و رژیم پاسدار آن به بار آورده‌اند. مسئول تمام فجایی که در ایران رخ داده جمهوری اسلامی و تمام گروه‌ها و جناح‌های وابسته به آن هستند. حاکمیت خدا بر روی زمین، یکی از فاسدترین، بی‌رحمترین و مخوفترین رژیم‌های تاریخ بشری از کار درآمده است. مجریان فرمان الهی جز یک مشت دزد و راهزن، غارتگر و چپاولگر نیستند. جمهوری اسلامی در طول ۳۸ سال حاکمیت ننگین خود، جز فاجعه و ویرانی، فقر، بیکاری، گرسنگی، اعتیاد، جنگ، اختناق، استبداد و کشتار، فساد و تباهی ارمغانی نداشته است. پوسیدگی این رژیم، اکنون به نهایت خود رسیده است. آن را باید با یک انقلاب کارگری سرنگون کرد و به زباله‌دانی تاریخ فرستاد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی – زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۸ دی‌ماه ۱۳۹۵

کار – نان – آزادی – حکومت شورایی